

شناسایی و بررسی هنر بازنمایی در عکاسی مفهومی

سید محسن هاشمی^۱، عطیه نتاج مجد^۲، طیبه یوزباشی^۳

^۱ دکتری پژوهش هنر، عضو هیئت علمی تمام وقت دانشگاه هنر

^۲ دکتری فلسفه هنر، عضو هیئت علمی تمام وقت مؤسسه آموزش عال طبری، بابل (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته عکاسی، مؤسسه آموزش عالی طبری، بابل

چکیده

اگرچه ثبت عناصر دنیای واقعی در سرشت عکاسی عجیب شده است. اما عکس صرفاً جهانی همسان و همانند جهان واقعی ارائه نمی‌کند، بلکه علاوه بر خصلت ارجاع دهنده و بازنمایی از قابلیت بیان گرایانه نیز برخوردار است. بنابراین هر عکس را می‌توان به مثابه متنی نشانه‌ای دانست که دلالت‌های متعددی را در معرض تفسیر و تأویل مخاطب قرار می‌دهد. هرچند عکاسی، پیوندی ناگسستنی با وجود دارد و موجودیت هر عکس در گرو ثبت لحظه، موضوع یا واقعیتی در عالم بیرون است، اما زمانی که از خوانش و ساز و کارهای تولید معنا در عکس، سخن به میان می‌آید، موضوع ابعاد پیچیده و متمایزی به خود می‌گیرد «زیرا عکاسی، رسانه‌ای رمزگذاری شده است» (سونسون) در واقع عکس، صرفاً رونوشت یا رونگاری از واقعیت نیست که تنها و به سادگی رابطه این همانی را بازتاب می‌دهد؛ بلکه دوربین و واقعیت بیرونی، امکان مفهوم سازی را برای عکاس فراهم می‌سازند.

واژه‌های کلیدی: بازنمایی، عکاسی مفهومی، بازنمایی از نظر: افلاطون، ارسطو